

کودکانه های جشنواره

اصفهان در نخستین روز جشنواره میزبان حاشیه های رنگارنگ بود



عکس از ایمنیا

سهم اصفهان چقدر است؟

ایا اصفهان و جریان سینمایی اصفهان را فراموش کرده‌اند، با تمایلی به روان ساختن و جاری کردن این جریان سینمایی در این شهر ندارند؟ آیا استعدادها و ظرفیت‌های موجود در اصفهان مغفول است، یا حتما باید از این شهر مهاجرت کنند و به پایتخت بروند تا به چشم متولیان بیایند و آنجا نیز هر فیلمی که می‌سازند، متعلق به پایتخت شود و باز این چرخه و تسلسل ادامه پیدا کند تا به طور کامل جریان سینمایی این شهر خالی و تهی شود و صرفا محلی برای برگزاری جشنواره سینمایی باشد؟

این‌ها همه رنجی است که بر بدنه سینمایی این شهر تحمیل شده و روح و روان فیلمساز این شهر را که می‌خواهد در شهر گنبد‌های فیروزه‌ای و مادی‌های سرسبز و جاری بماند و با عشق بازی با این شهر، فیلمش را همسو با اتمسفر آن بسازد، آزار می‌دهد.

شاید طرح این سؤالات باب خوبی را برای گفت‌وگو بگشاید که به راستی برنامه مسئولان برای این وضعیت تولید در اصفهان چیست و این موضوع به چه سمتی خواهد رفت تا حداقل مسائل به طور واضح و علنی به سمع و نظر همه اهالی سینمای اصفهان رسیده و مطالبات این قشر نیز صریح و با رعایت نکات فنی به گوش مسئولان برسد.

هرچه هست، اصفهان در جریان سینمایی‌اش نیازمند تولید است؛ همان‌گونه که صنایع سهم تولید زیادی را قبول کرده‌اند و بار بزرگ تولیدی کشور را به دوش می‌کشند. اصفهان باید فیلم بسازد تا اصفهان باشد.

اصفهان، مخصوصا در حوزه کودک و نوجوان، روزهای خوبی را سپری نمی‌کند. متولیان امر در پایتخت آیا با خود فکر نمی‌کنند که چرا این شهر که خود میزبان جشنواره‌ای بین‌المللی و مهم در حوزه کودکان و نوجوانان است، در طول این یک سال تولیدی چه در این حوزه و چه در حوزه‌های دیگر نداشته است و عملا در رکود تمام به سر می‌برد؟

سهم اصفهان از تأمین فرهنگ و هنر ایران عزیز آن قدر دندان گیر بوده و آن قدر دین خود را به فرهنگ و هنر این کشور ادا کرده است که حداقل مسئولان مربوطه نگران نبود تولید در این شهر شوند. تشکیل شورای سینما در این شهر که به همت دکتر جمالی‌نژاد، استاندار محترم اصفهان، صورت گرفته، آیا به حل این مشکل کمکی نموده است؟

این سؤالات‌ها و هزاران سؤال دیگر است که اهالی سینما و دوستداران سینمای اصفهان هر روز با آن از خواب بیدار می‌شوند و شب‌هنگام نیز با همین سؤالات‌ها به خواب می‌روند. این سؤالات‌ها هر روز ذهن فیلمساز اصفهانی را به خود مشغول می‌دارد و انرژی او را می‌گیرد و همچنان زمان‌ها می‌گذرد تا شاید فکری به حال این وضعیت تولید در اصفهان شود.

در کل، آنچه امروز بیش از هر چیزی در مواجهه با اصفهان در حوزه فرهنگ مطرح بوده، این است که چرا این شهر سهمی در تولید فیلم سینمایی در برنامه ارگان‌ها و نهادهای پایتخت ندارد و چرا این سازمان‌ها بابت ضعف در تولید فیلم در اصفهان نگرانی به خود راه نمی‌دهند.

سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان در حالی آغاز به کار کرد که سؤالاتی اساسی همچنان درباره آن مطرح بوده و البته برای آن‌ها هنوز پاسخ درخوری داده نشده است. یکی از این سؤالات‌ها مربوط به شهری است که سال‌هاست میزبانی این

جشنواره را برعهده داشته و در برگزاری آن از چیزی دریغ نکرده است؛ یعنی اصفهان. اصفهانی‌ها که سالیان دراز است با مهر و آغوش باز میزبانی این جشنواره را بر عهده گرفته و حقیقتا تلاش کرده است تا به بهترین نحو از پس این میزبانی بر بیاید. اما زخمی که بر پیکر جریان سینمایی این شهر است و هر ساله سعی می‌کنند آن را از چشم میهمان پنهان کنند، این است که چرا اصفهان سهمی در تولیدات و آثار این جشنواره ندارد. آیا میزبان که خود روزگاری یکی از نقاط مهم فیلمسازی کشور بوده است، نباید در بین آثار سینمایی این جشنواره یک اثر تمام‌اصفهانی داشته باشد؟

آنچه بیشتر جلب توجه می‌کند، آن است که اصفهان نه تنها میزبان خوبی برای این جشنواره بوده، بلکه خود توان و انرژی کافی برای ساخت فیلم در حوزه کودکان را دارد و اساسا می‌توان این شهر را شهری با ظرفیت تولید بالا برای کودک و نوجوان معرفی کرد؛ اما افسوس که امروز این ظرفیت و قابلیت نادیده گرفته شده و جریان تولید



متین عمیدی
خبرنگار

جای خالی کانون‌های فرهنگی باکانون‌های هنری پر نشد!

برخلاف جشنواره سی و پنجم فیلم کودک و نوجوان، در جشنواره سی و هفتم شاهد حضور کانون‌های هنری هستیم

غرفه، بتر، فضا سازی و تبلیغات مورد نیازشان به عهده شهرداری است و تنها وظیفه آن‌ها ارائه خدمات در چارچوب سرفصل‌های اعلام شده است.

سی و پنجمین جشنواره؛ نقطه اوج فراموش‌شدنی

برای آنکه اهمیت این تفاوت رویکرد روشن شود، کافی است دوباره به روایت سی و پنجم بازگردیم. در آن سال، از نقاشی و خوشنویسی گرفته تا رتاتیک و فعالیت‌های خیریه، همه در کنار هم جمع شدند. فضای جشنواره نه تنها پر از رنگ و صدا و هیجان بود، بلکه فرصتی برای پیوند خوردن جریان‌های فرهنگی شهر فراهم شده بود. بسیاری از کانون‌ها در گفت‌وگو با «اصفهان زیبا» تاکید داشتند که نخستین بار است چنین فرصتی برای معرفی خود پیدا می‌کنند.

از منظر اجتماعی، گردهمایی سی و پنجم توانست دو دستاورد اصلی داشته باشد:

- **شناخت متقابل میان کانون‌ها:** مراکز فرهنگی و خیریه‌ای که سال‌ها هرکدام در گوشه‌ای مشغول فعالیت بودند، توانستند یکدیگر را ببینند و تعامل تازه‌ای شکل دهند.
- **آشنایی مردم با ظرفیت‌های فرهنگی شهر:** خانواده‌هایی که برای حضور در برنامه‌های شاد کودکان آمده بودند، با طیفی از استفاده از کانون‌ها و فعالیت‌های فرهنگی مواجه شدند که پیش‌تر از آن بی‌خبر بودند.

حالا که در سی و هفتمین جشنواره، گردهمایی کانون‌ها با هویتی تازه و تمرکز بر جنبه هنری اصفهان، برگشته است، پرسشی جدی باقی می‌ماند: آیا چنین تغییر رویکردی به معنای کنارگذاشتن ظرفیت عظیم کانون‌های فرهنگی شهر است؟ در شهری که صدها کانون فرهنگی فعال وجود دارد، محدود کردن عرصه به مراکز هنری هرچند ارزشمند است، نمی‌تواند جایگزین همه ظرفیت‌ها باشد.

چشم‌انداز سال‌های بعد چه خواهد بود؟

سه سال اخیر جشنواره نشان می‌دهد که ما با سه تجربه کاملاً متفاوت روبه‌رو هستیم:

- **سی و پنجم:** گردهمایی پرشور ۸۰ کانون فرهنگی؛ نقطه اوج مشارکت مردمی.
- **سی و ششم:** لغو ناگهانی برنامه‌ها؛ فرصتی که از دست رفت.

- **سی و هفتم:** تمرکز بر هنرهای بومی و پرورش فکری؛ تلاشی برای هویتی تازه.
- این تنوع تجربیات نشان می‌دهد که جشنواره هنوز در حال آزمون و خطاست. اگر هدف واقعی آن، پیوند دادن کودکان و نوجوانان با جریان‌های فرهنگی شهر است، باید برنامه‌ریزی بلندمدت، ثبات در تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی گسترده‌تری در دستور کار قرار گیرد. تنها در این صورت است که جشنواره می‌تواند هم ظرفیت کانون‌های فرهنگی را احیا کند، هم هنرهای اصیل اصفهان را زنده نگه دارد و هم به یک رخداد مردمی و ماندگار بدل شود.



می‌دهد که هنوز بسیاری از شهروندان حتی نمی‌دانند که جشنواره‌ای در حال برگزاری است، چه برسد به جزئیات برنامه‌های جانبی آن. ضعف مزمن اطلاع‌رسانی، همچنان همان زخمی است که از سال‌های قبل بر پیکره جشنواره باقی‌مانده است.

چرا دیگر خبری از ۸۰ کانون فرهنگی نیست؟

طبق صحبت موسویان حضور کانون‌های هنری با هدف زنده نگه داشتن هنر اصفهان، امر قابل تقدیری است، اما همچنان این پرسش باقی است که چرا تصمیمی برای حضور کانون‌های فرهنگی در این جشنواره نیست؟

موسویان در پاسخ می‌گویند: «در آن سال، اداره مشارکت‌های اجتماعی پای‌کار آمد و شخصاً با کانون‌ها هماهنگ شد. اما امسال، به خاطر ابلاغ ناگهانی اینکه قرار است برنامه‌های جنبی برگزار شود و همچنین مشکلات مالی، ترجیح دادند وارد کار نشوند. ما صرفاً ۱۰ کانون معرفی‌شده از سمت اداره مشارکت‌ها داشتیم که از آن‌ها دعوت کردیم. برخی از کانون‌های خیریه هم خودشان درخواست کردند و حضور یافتند.» او درباره سازوکار برگزاری اضافه می‌کند که کانون‌ها هیچ هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند.

به گفته موسویان امسال گردهمایی این مراکز در دو بخش اصلی برگزار می‌شود: «سالن اجلاس و چهارباغ عباسی. در سالن اجلاس از ۱۲ تا ۱۵ مهرماه، غرفه‌ها از ساعت ۱۶ تا ۲۱ میزبان مردم هستند. علاوه بر آن، هر شب یک استیج شادی برگزار می‌شود که مجری‌های محبوب کودکان، برنامه‌هایی ویژه برای کودکان اجرا می‌کنند. در گذر چهارباغ نیز برپایی غرفه‌ها تا ۱۷ مهرماه ادامه خواهد داشت؛ صبح‌ها دانش‌آموزان مدارس حاضر می‌شوند و بعدازظهرها از ساعت ۴ تا ۷ شب غرفه‌ها میزبان خانواده‌ها خواهند بود.»

برگزاری جشنواره زیر چتر خاموشی

باوجود اینکه برگزاری جشنواره در اصفهان از سال گذشته مشخص شده بود، اما همچون سال قبل تا روزهای پایانی و حتی زمان برگزاری جشنواره، خبری از اطلاع‌رسانی درباره اصل جشنواره نبود، چه رسد به برنامه‌های جنبی آن از جمله حضور کانون‌های هنری.

هرچند که مسئول کنترل پروژه برنامه‌های جنبی جشنواره مدعی است در فضای مجازی سازمان فرهنگی، سامانه ۱۳۷ و همچنین آموزش و پرورش، تبلیغات انجام شده و پوسترهایی چاپ و توزیع شده است، اما پرس‌و‌جو در سطح شهر نشان

می‌رسد. «به گفته او، این غرفه‌ها ذیل شعار «هر خانه؛ یک فرزند هنرمند» فعالیت می‌کنند؛ شعاری که قرار است نخستین جشنواره هنری نوجوان و کودک اصفهان را کلید بزند. موسویان تاکید می‌کند که هدف اصلی این است که هنرهای اصفهان به‌عنوان مهد فرهنگ و هنر، از کاشی‌کاری گرفته تا هنرهای نمایشی و سنتی در میان کودکان و نوجوانان زنده نگه داشته شود.

«می‌خواهیم فارغ از برگزاری بی‌عدم برگزاری جشنواره فیلم کودک در اصفهان، ذیل این جشنواره، هنرهای اصفهانی دیده شود و تصمیم شهرداری این بوده که مستقل از جشنواره فیلم، چنین جریان هنری را ایجاد کنیم.»

این سخنان نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری امسال در مقایسه با سال‌های گذشته تغییر معناداری داشته است. اگر در سی و پنجمین دوره، گردهمایی ۸۰ کانون فرهنگی و خیریه به‌عنوان یک رویداد کم‌سابقه رقم خورد و همه چشم‌ها را به خود جلب کرد، حالا در سی و هفتمین دوره، تمرکز از «کانون‌های فرهنگی» به «کانون‌های هنری» تغییر یافته است. در واقع، به جای طیف گسترده‌ای از نهادهای فرهنگی، حالا بخشی از ظرفیت شهر به هنرهای بومی اختصاص یافته است.

از تغییر برنامه ناگهانی بیان کردند: «برای هر حضوری برنامه‌ریزی لازم است و این‌طور نیست که یک روز بگویید بیاییم و ماهم دست‌خالی حاضر شویم. تا زمانی که برنامه مشخصی تعریف نشود، چنین گردهمایی‌هایی بی‌فایده است.»

گردهمایی کانون‌های هنری، جایگزین کانون‌های فرهنگی

اکنون که به جشنواره سی و هفتم رسیده‌ایم، مجدداً پیگیر چگونگی برگزاری این گردهمایی شدیم. آن‌طور که صفیه سادات موسویان، مسئول کنترل پروژه برنامه‌های جنبی جشنواره می‌گوید قرار است در این دوره، گردهمایی از کانون‌های هنری شهر داشته باشیم.

صفیه سادات موسویان در توضیح روند امسال می‌گوید: «تمرکز اصلی بر کانون‌های پرورش فکری کودک و نوجوان است و حدود ۱۰ تا ۱۵ غرفه به ۱۶ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهرداری اختصاص داده‌ایم. البته در کنار آن‌ها، چند مرکز فرهنگی سطح شهر هم حضور دارند و مجموعاً ۲۵ عنوان غرفه در سالن اجلاس و چهارباغ فعال خواهد بود که اگر کانون‌های شهرستانی هم اضافه شوند، این عدد به ۴۰



فاطمه رجب‌زاده
خبرنگار

۱۲ تا ۱۶ مهرماه، زمان برگزاری سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان در اصفهان است. جشنواره‌ای که بار دیگر در اصفهان برگزار شد و ما نیز بار دیگر به دنبال مطالبه‌گری از دستاوردهای آن برای اصفهان، کودکان و نوجوانانش هستیم. همواره روند ما این بوده که به دنبال بیان پیامدهای جنبی جشنواره باشیم و به‌طور نمونه گردهمایی کانون‌های فرهنگی شهر را به عنوان نقطه اوج جشنواره سی و پنجم بیان کردیم. گردهمایی که سال گذشته به دلایلی ناموجه برگزار نشد و امسال با ماهیتی متفاوت به میدان آمده است. سال گذشته هم‌زمان با برگزاری سی و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوان در گزارش «جشنواره باید مردمی‌تر شود!» به سراغ کانون‌های فرهنگی شهر رفتیم و از آن‌ها پرسیدیم که آیا در ایام برگزاری جشنواره، شرکت در سینما و مشاهده فیلم‌ها جزو برنامه‌هایشان بوده یا نه؟ خروجی این گزارش که اتفاقاً بسیار هم مورد بحث قرار گرفت، به این صورت بود که دست‌کم برای ۹۰ درصد کانون‌های فرهنگی شهر، جشنواره فیلم کودک و نوجوان هیچ موضوعیتی ندارد! برخی‌شان عدم اطلاع‌رسانی درست، نبود بن‌های تخیفی، مشغله‌های فرهنگی و یا نامناسب بودن فیلم‌ها را به‌عنوان دلیلی برای این امر دانستند؛ اما اصل موضوع تغییر نکرد: درحالی‌که اصفهان شهری فرهنگی است و بیشترین تعداد کانون‌های فرهنگی را دارد، جشنواره فرهنگی و هنری فیلم کودک و نوجوان با دست‌کم ۲۰ ساله سابقه برگزاری در اصفهان، جایی در میان جریان‌های فرهنگی شهر ندارد.

با در نظر گرفتن چنین واقعیت تلخی، در جشنواره سی و پنجمان دلمان به این خوش بود که متولیان امر فکری تازه کرده‌اند و با استفاده از ظرفیت‌های جنبی جشنواره به فکر گردهمایی کانون‌های فرهنگی شهر افتاده‌اند؛ گردهمایی که در حداقلی‌ترین حالت همچون سایر نمایشگاه‌ها امکان آشنایی جریان‌سازان فرهنگی شهر با یکدیگر و شناخته شدن توسط مردم را فراهم می‌کند. با این حال در جشنواره سی و ششم علی‌رغم برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته، این رویداد برگزار نشد.

دیدگاه متولیان امر این بود که به دلیل همدردی با اتفاقات رخ داده در محور مقاومت به‌خصوص با توجه به انفجار پیجرها در لبنان و شهادت فرماندهان، گردهمایی کانون‌های فرهنگی که همراه با برنامه‌های شادی بخش بود، برگزار نشود. البته در مقابل ما هم بیان کردیم که به جای فرصت‌سوزی، چنین گردهمایی را محفلی برای تبیین اندیشه‌های مقاومت بکنید، اما به هر حال این برنامه برگزار نشد و کانون‌هایی که یک سال برای این حضور در جشنواره برنامه‌ریزی کرده بودند، با نارضایتی

نظم؛ گم‌شده روز اول جشنواره

و خروج میهمانان و عکاسان باعث برهم خوردن تمرکز سالن شد. در همین میان، حضور مسئولان برای گرفتن عکس‌های یادگاری با کودکان، فضای سالن را بیشتر شلوغ کرد و عملاً اجرای دقیق برنامه‌ها را دشوار ساخت.

ناهماهنگی میان نمایش‌ها و نشست‌ها

یکی از نکات قابل توجه در روز اول، نبود هماهنگی میان زمان نمایش فیلم‌ها و برگزاری نشست‌های نقد و گفت‌وگو بود. برخی نشست‌ها با تاخیر برگزار شدند و تعدادی نیز بدون اطلاع‌رسانی دقیق جابه‌جا شدند. مسئولان جشنواره اعلام کردند که این مشکلات مربوط به روزهای ابتدایی است و در ادامه برطرف خواهد شد، اما مخاطبان و خبرنگاران که تجربه سال‌های گذشته را در ذهن دارند، چندان به این وعده امیدوار نیستند.

لزام بازنگری در برنامه‌ریزی جشنواره

بی‌نظمی در برگزاری جشنواره کودک و نوجوان اصفهان، متأسفانه به مسئله‌ای تکرارشونده تبدیل شده است. چنین رویدادی که عنوان «بین‌المللی» را با خود دارد، نیازمند نظم، دقت و برنامه‌ریزی حرفه‌ای‌تری است. امید می‌رود در روزهای آینده، با بازبینی و هماهنگی بیشتر میان گروه‌های اجرایی، این روند اصلاح شود تا جشنواره‌ای که قرار است یادآور نشاط، خلاقیت و احترام به مخاطب باشد، در عمل نیز چنین تصویری از خود ارائه دهد.

افتتاحیه جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان امسال حال و هوایی متفاوت از انتظار داشت. برنامه‌ها بیشتر بر اجرای سرودهای گروهی متمرکز بود؛ سرودهایی که هرچند

حس ملی و ایرانی دل‌انگیزی داشتند و تلاش نوجوانان شرکت‌کننده در آنها ستودنی بود، اما تکرار و یکنواختی‌شان باعث شد مراسم از شور و تازگی لازم برخوردار نباشد. در کنار این، غیبت چهره‌های شناخته‌شده هنری نیز در مراسم افتتاحیه احساس می‌شد. انتظار می‌رفت چند هنرمند مطرح در کنار کودکان و نوجوانان حاضر شوند تا هم بر اعتبار جشنواره بیفزایند و هم انگیزه‌ای برای نسل جوان‌تر باشند. با این حال، فضای کلی مراسم آرام و محترمانه بود، هرچند از یک افتتاحیه پرشور و الهام‌بخش فاصله داشت.

آغاز جشنواره با تأخیر و آشفتگی

روز نخست جشنواره در حالی آغاز شد که بسیاری از شرکت‌کنندگان تنها می‌دانستند اولین سانس ساعت ۱۵ برگزار می‌شود. هرچند تأخیر بیست تا سی دقیقه‌ای در چنین رویدادهایی گاهی اجتناب‌ناپذیر است، اما ادامه این بی‌نظمی در طول روز باعث نارضایتی مخاطبان شد. برنامه‌ها بدون اطلاع دقیق جابه‌جا شدند و سالن‌ها بیش از اندازه شلوغ بودند. در برخی موارد، ورود



قربانی شدن سینما به پای شخصیت



دهان شخصیت‌ها بیرون می‌آیند. کودک تماشاگر هوشمند است؛ او نیازی ندارد کسی برایش خطابه بخواند تا معنای عشق یا شجاعت را بفهمد. اما فیلم، مدام به او درس می‌دهد، نه اینکه او را با تجربه مواجه کند. نتیجه این می‌شود که به جای تأثیرگذاری عاطفی، مخاطب با نوعی خستگی از شعار روبه‌رو می‌شود. فیلم به ظاهر می‌خواهد تربیتی باشد، اما در واقع با ساده‌انگاری ذهن کودک، از او یک شنونده مطیع می‌سازد؛ نه یک اندیشمند کوچک.

موسیقی آبگوشتی

موسیقی فیلم نیز یکی از نقاط سیاه اثر است. آهنگ‌ها و قطعاتی که قرار بود هیجان و لطافت کودک را منتقل کنند، بیشتر شبیه موسیقی‌های بازاری و خالتوری‌اند. نه از حس تعلیق خبری هست، نه از لطافت احساسی و عاطفی؛ کوپی موسیقی به اجبار در فیلم چپانده شده، نه به عنوان مکملی برای احساس و روایت.

تکرار ایده، بدون رشد

بدیهی است که «دختر برقی ۲»، ادامه‌ای بر فیلم «دختر برقی ۱» است؛ اما در این دنباله، به جای توسعه ایده، شاهد مصرف دوباره آن هستیم. فیلمساز به جای رشد دادن جهان داستانی و عمیق‌تر کردن مفاهیم، تنها همان فرمول سال گذشته را تکرار کرده است؛ فرمولی که حالا دیگر نخ‌نما شده و بیشتر به تقلیدی از خودش شباهت دارد.

محبوبیت به چه قیمت؟

فیلم «دختر برقی» نشان داد که یک قهرمان محبوب، می‌تواند فیلمی ضعیف را موقتاً نجات دهد، اما نه برای همیشه. اگر قرار باشد تمام سرمایه، انرژی و خلاقیت صرف خلق یک شخصیت شود و سایر ارکان سینما قربانی شوند، آن وقت باید پرسید آیا ارزش دارد برای چند دقیقه لبخند کودکان، هزینه سنگین سقوط سینمای کودک را بپردازیم؟ شاید دختران کوچک، از دیدن قهرمان فیلم لذت برده باشند و این، دستاورد کوچکی نیست، اما اگر سینمای کودک ما به همین حد قناعت کند، در واقع به سقوط رضایت داده است.

«دختر برقی» نمونه‌ای است از فیلمی که به جای رشد دادن بینش کودک، تنها به دنبال سرگرم کردن اوست؛ فیلمی که می‌خواهد دوست‌داشتنی باشد، اما یادش رفته دوست‌داشتنی بودن زمانی ماندگار می‌شود که ریشه در کیفیت، روایت درست، و اصالت هنری داشته باشد.

شیدا کریمی

خبرنگار



فیلم «دختر برقی» حسین قناعت، یک نمونه تمام‌عیار از سینمای کودک امروز ایران است که در ظاهر لیخند بر لب مخاطب می‌نشانند، اما در عمق، فریادی خاموش از سطحی‌نگری و کم‌کاری فنی دارد. فیلم با ایده‌ای بالقوه درخشان آغاز می‌شود؛ یک دختر ربات با صفات انسانی که می‌خواهد عشق، شجاعت و فداکاری را ثابت کند. اما همان‌قدر که ایده‌اش ناب است، اما در اجرا و روایت، فیلم چنان خام و ناپخته پیش می‌رود که ایده اولیه‌اش زیر بار ضعف‌ها دفن می‌شود.

قهرمان خوب در میان ویرانه‌های فیلم

نفس، دختر برقی فیلم، بی‌تردید تنها ستاره‌ای است که در این آسمان کدر می‌درخشد. او قهرمانی است که کودکان با او همذات‌پنداری می‌کنند و دوستش دارند. حضور یک قهرمان دختر، آن هم در ژانر کودک، اتفاقی ارزشمند است. اما سوال اساسی اینجاست: آیا صرف محبوب بودن یک شخصیت، می‌تواند ضعف‌های فاحش در سایر ابعاد فیلم را توجیه کند؟ فیلم قناعت دقیقاً همین اشتباه را مرتکب شده است. همه چیز در خدمت نفس است؛ اما هیچ چیز در خدمت سینما نیست.

فیلمنامه‌ای بی‌جان و روایتی بی‌نفس

فیلم شروع پرشور دارد، اما خیلی زود خاموش می‌شود. فیلمنامه هیچ گره دراماتیک محکمی ندارد، کشمکش‌ها سطحی و پیش‌بینی‌پذیرند و پایان فیلم به جای برانگیختن احساس، تنها یک لیخند خسته بر لب می‌نشانند. فیلم‌نامه‌نویس ظاهراً فراموش کرده که حتی در سینمای کودک هم باید منطق، تداوم و رشد شخصیتی وجود داشته باشد.

پیام‌های فرهنگی با پتک، نه با لطافت

یکی از ضعف‌های آزاردهنده «دختر برقی»، ارائه مستقیم و گل‌درشت پیام‌های فرهنگی و اخلاقی است. فیلمساز به جای آنکه مفاهیم انسانی را در بطن داستان جاری کند، با پتک شعار، بر سر تماشاگر می‌کوبد. پیام‌هایی مثل دوست داشتن خانواده، فداکاری، عشق و دوستی، به جای آنکه در رفتار و کنش شخصیت‌ها تنیده شوند، به صورت جمله‌های آماده و شعاری از

جسارت روایت زیست محیطی در سینمای کودک ایران



دهد و به نظر می‌رسد فیلم در تنظیم ریتم می‌لنگد.

استفاده هوشمندانه از کنتراست نور و سایه، خلق فضای رازآلود و ترسناک را فراهم آورده که در سینمای کودک ایرانی کمتر به چنین جسارتی برمی‌خوریم. البته این فضای مبهم و سنگین ممکن است برخی کودکان را دچار سردرگمی یا نگرانی کند، اما از طرفی، این رویکرد به فیلم عمق و لایه‌های معنایی خاصی می‌بخشد که ارزشمند است.

روایت سنگین برای کودک

در زمینه روایت، فیلم ساختار خطی دارد و سعی در بازنمایی پیچیدگی ذهن کودکان و رابطه آن‌ها با اطرافشان دارد. این شیوه یکی از نقاط مثبت فیلم از منظر فرم است که امکان برداشت‌های متفاوت و عمیق را افزایش می‌دهد. در مقابل، همین پیچیدگی ممکن است باعث شود برخی مخاطبان کودک نتوانند به راحتی با داستان همراه شوند.

فیلم می‌توانست با ساختار روایی ساده‌تر، تأثیرگذاری عاطفی بیشتری داشته باشد. صداسازی فیلم با حداقلی از موسیقی و استفاده گسترده از صدای طبیعی محیط، به افزایش حس واقعی بودن کمک می‌کند و از کلیشه‌های موسیقی اغراق‌شده کودکانه فاصله می‌گیرد.

این انتخاب، به فضا سازی فیلم اصالت و آرامشی خاص بخشیده که هماهنگ با زبان تصویری‌اش است، اما تکیه زیاد بر صداهای محیطی ممکن است گاهی برای شنوندگان کودک خسته‌کننده شود.

در مجموع، «موی گرگ» فیلمی است با روایتی هنری که توانسته است دغدغه‌های زیست محیطی و کودکانه را به نمایش بگذارد و تمایز قابل توجهی در سینمای کودک ایران ایجاد کند. بازی طبیعی کودکان، انتخاب‌های هوشمندانه در نور و رنگ، و تأکید بر روایت تصویری، نقاط مثبت فیلم را رقم زده‌اند.

با این حال، پیچیدگی فرم و کندی ریتم در بخش‌هایی از فیلم، ممکن است مانع همراهی کامل مخاطبان خردسال شود. فیلم در عین نوآوری و جسارت، نیازمند تعدیل‌هایی در روایت برای دسترسی ساده‌تر به مخاطب هدف است.

«موی گرگ» با زبان تصویری دقیق و روایت هنری خود، موفق می‌شود دغدغه‌های کودک و محیط زیست را به شیوه‌ای متفاوت و تأمل‌برانگیز به نمایش گذارد؛ هرچند پیچیدگی فرم و کندی ریتم در برخی بخش‌ها ممکن است مانعی برای جذب کامل مخاطب کودک شود، اما این فیلم جسورانه با میزانشن هوشمندانه و بازی‌های طبیعی، گامی مهم در سینمای کودک ایران به شمار می‌آید.

حانیه عباسی

خبرنگار



فیلم سینمایی «موی گرگ» ساخته فریدون نجفی، یکی از آثار سی‌وهفتمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان است که با تأکید بر موضوعاتی چون کودک و محیط زیست، تلاش می‌کند روایت متفاوت و هنری از این دو مفهوم ارائه دهد. داستان فیلم که درباره پسری است که مسئولیت مراقبت از دختر کوچکی به نام اسما را برعهده می‌گیرد تا او را پیش زنی مرموز ببرد، با نگاهی نمادین و پیچیده ساخته شده و می‌تواند هم مخاطبان کودک و هم نوجوان را به چالش فکری دعوت کند.

فیلم با قاب‌بندی‌های نزدیک و محدود آغاز می‌شود؛ نماهای بسته از دست‌ها و چهره‌ها، فضای حساسی را خلق می‌کند که حس محصورشدگی و محدودیت شخصیت‌ها را به خوبی به نمایش می‌گذارد.

نورپردازی ملایم اما همراه با سایه‌های ناگهانی، تضادی را شکل داده که بیانگر دوگانگی دنیای کودکانه در برابر تهدیدات محیطی و اجتماعی است. این میزانشن‌های ابتدایی باعث می‌شود مخاطب از همان ابتدا به حفره‌های روانی شخصیت‌ها وارد شود.

با پیشرفت داستان، میزانشن گسترده‌تر و فضای طبیعی محیط ملموس‌تر می‌شود. نماهای باز از طبیعت، با رنگ‌های خاکی و سبز کم‌جان، ضمن آفای زیبایی‌های طبیعت، هشدار به آسیب‌پذیری آن می‌دهد.

حرکت دوربین روی دست، ناپایداری و عدم امنیت موقعیت را به خوبی منتقل می‌کند، ولی این لرزان بودن گاهی به شلوغی بصری و حواس‌پرتی تبدیل می‌شود که اثرگذاری برخی لحظات را کم می‌کند.

تعامل میان اسما و پسر در صحنه‌هایی که با قاب‌های دو نفره اجرا شده، به خوبی از طریق حرکات بدن و نگاه‌ها نمایش داده شده است.

بازی طبیعی کودکان و استفاده از زبان بدن، یکی از نقاط قوت فیلم است که با روابط غیرکلامی، احساسات عمیقی را منتقل می‌کند. اما کندی ریتم برخی از صحنه‌ها می‌تواند توجه مخاطب کودک را کاهش



فرید حبیب‌زادگان

خبرنگار نوجوان

در اولین روز از سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، فیلم «دختر برقی ۲» اکران شد و خبرنگاران و داوران کودک و نوجوان به تماشای آن نشستند.

تازه‌ترین ساخته حسین قناعت پس از موفقیت قسمت اول ساخته شد. این فیلم مانند نسخه قبلی در ژانر فانتزی کودک و نوجوان قرار دارد و تلاش می‌کند با استفاده از عناصر تخیلی و قهرمان‌محور هم سرگرم‌کننده باشد و هم ارزش‌های اخلاقی را منتقل کند.

آیا «دختر برقی ۲» انتظارات ما را از ادامه برند خود برآورده کرد؟

نقاط قوت

۱. ادامه یک مجموعه موفق

موفقیت قسمت اول در جشنواره‌های داخلی و خارجی، مسیر را برای ساخت نسخه دوم هموار کرد. همین موضوع سبب شد که مخاطبان با انتظار بیشتری به سراغ این فیلم بیایند.

۲. پیام‌های مثبت و آموزنده

فیلم سرشار از مفاهیمی مثل دوستی، کمک به دیگران و مسئولیت‌پذیری است. حضور این پیام‌ها در بستر داستان ارزشمند است، حتی اگر همه‌جا به خوبی منتقل نشده باشند.

۳. ریتم کودک‌پسند

روایت ساده، صحنه‌های کوتاه و پر تحرک باعث شده بچه‌ها جذب فیلم شوند. هرچند در بعضی لحظات کش‌دار می‌شود، اما در مجموع ریتم برای مخاطب اصلی قابل قبول است.

نقاط ضعف

۱. کاهش کیفیت نسبت به قسمت اول

قسمت دوم نتوانسته موفقیت و پختگی قسمت اول را تکرار کند. همین افت کیفی باعث شده

تا حدی از اعتبار برند «دختر برقی» کاسته شود.

۲. انتقال ناقص پیام‌ها

با وجود اینکه فیلم پر از آموزه‌های اخلاقی است، اما در برخی صحنه‌ها این پیام‌ها حالت هموار کرد. همین موضوع سبب شد که مخاطبان با انتظار بیشتری به سراغ این فیلم بیایند.

۳. ریتم نامتعال

هرچند ریتم کلی مناسب است، اما بعضی بخش‌ها بیش از حد طولانی شده و حتی برای کودکان هم خسته‌کننده به نظر می‌رسد.

۴. جلوه‌های ویژه

جلوه‌های ویژه و طراحی صحنه در حدی نیستند که با استانداردهای روز رقابت کنند. با این حال، باید توجه داشت که این ضعف‌ها بیشتر ناشی از محدودیت بودجه و امکانات تولید است و نه کم‌کاری تیم سازنده. «دختر برقی ۲» اگرچه تلاش می‌کند مسیر موفق قسمت اول را ادامه دهد، اما در عمل کیفیت پایین‌تری دارد و نتوانسته نام برند خود را بیش از پیش پررنگ کند. فیلم برای کودکان همچنان سرگرم‌کننده است، اما پیام‌هایش همیشه به درستی منتقل نمی‌شوند، ریتمش گاهی خسته‌کننده می‌شود و ضعف‌های فنی هم مشهود است.





درخشش استعدادها در جشنواره کودک

در مسیر شکوفایی، بازیگران کودک و نوجوان با حضور در فیلم های مختص گروه سنی خود، اولین گام های هنرنمایی را برمی دارند. در این میان جشنواره هایی مانند جشنواره فیلم کودک و نوجوان، بستری ایده آل برای نمایش استعدادهای این هنرمندان جوان فراهم می کند. دریافت جوایزی همچون «پروانه زرین» نه تنها باعث دیده شدن و درخشش آنها می شود، بلکه سنگ بنای محکمی برای ورود حرف های آن ها به عرصه سینماست. بسیاری از چهره های امروز سینمای ایران، دوران شکوفایی خود را از همین مسیر آغاز کرده اند که در داده نمای زیر با برخی از آن ها آشنا می شویم.



ریحانه هاشمی

خبرنگار



ایمان سرلک

جوایز: جایزه بهترین بازیگر کودک در سی و هشتمین دوره جشنواره کودک و نوجوان برای فیلم «دختر برقی» و «تایستان همان سال»
فعالیت ها: رایان سرلک بازیگر کودک متولد سال ۹۲ است. او فعالیت حرفه ای و تصویری اش را در پنج سالگی با فیلم سینمایی «راند چهارم» علیرضا امینی شروع کرد؛ اما شهرت سرلک به دلیل بازی در سریال تلویزیونی زیرخاکی ساخته جلیل سامان است. بازی در سریال نمایش خانگی «در انتهای شب» هم نمونه موفق دیگری از بازی او است. رایان سرلک در جشنواره سی و هشتم فیلم کودک و نوجوان توانست برای فیلم سینمایی «دختر برقی» ساخته حسین قناعت و فیلم «تایستان همان سال» به کارگردانی محمد کلاری جایزه بهترین بازیگر کودک را به دست بیاورد.



ایمان نوروزی

جوایز: دیپلم افتخار بهترین بازیگر کودک در بیست و هشتمین دوره جشنواره کودک برای فیلم «دزد و پری» به کارگردانی حسین قناعت
فعالیت ها: یاس نوروزی بازیگر نوجوان متولد سال ۸۵ است. این بازیگر نوجوان را بیشتر به دلیل بازی در سریال تلویزیونی «دودکش» می شناسند. نوروزی از شش سالگی بازیگری را شروع کرده و جلو دوربین ظاهر شده و بعد توانست در جشنواره فیلم کودک و نوجوان جایزه دریافت کند.



روح الله زمانی

جوایز: پروانه زرین بهترین بازیگر بخش سابقه بین الملل سی و سومین جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان برای فیلم «خورشید»
فعالیت ها: این بازیگر نوجوان توانست در سی و سومین جشنواره بین المللی فیلم کودک و نوجوان با فیلم «خورشید» ساخته مجید مجیدی شناخته شود. روح الله زمانی بازیگری است که کودک کار بوده و به گفته خودش بعد بازی در این فیلم، پرچم کودکان کار را بالا برد. این فیلم در جشنواره و نیز هم جایزه گرفت. اما روح الله زمانی به دلیل کرونا نتوانست در آن شرکت کند، با این حال توانست یک جایزه مهم به دست بیاورد. اضافه بر این، او دو بار در جشنواره فیلم فجر، نامزد بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شده است. همچنین او در فیلم «در آغوش درخت» و «موقعیت مهدی» نیز به ایفای نقش پرداخته است.



مهین قربانی

جوایز: برنده پروانه زرین بهترین بازیگر نوجوان در سی امین جشنواره فیلم های کودک و نوجوان اصفهان برای فیلم «بیست و یک روز بعد»؛
برنده پروانه زرین بهترین بازیگر نوجوان از نگاه داوران کودک و نوجوان در سی امین جشنواره فیلم های کودکان و نوجوانان اصفهان برای فیلم «بیست و یک روز بعد»
فعالیت ها: او در فیلم سینمایی «ابد و یک روز» حضور داشته و بعد از آن در «تنگه ابوقریب»، «روز صفر» و «پرویزخان» خود را نشان داد.



امیرضا فرامرز

جوایز: برنده پروانه زرین بهترین بازیگر کودک در سی امین دوره جشنواره کودک و نوجوان برای فیلم «اسکی باز»؛ برنده پروانه زرین بهترین بازیگر نوجوان در سی و هشتمین دوره جشنواره کودک و نوجوان برای فیلم «آن دو»
فعالیت ها: امیرضا فرامرز بازیگر متولد سال ۸۶ است. او یکی از استعدادهای نوجوان بازیگری به حساب می آید. فرامرز در سال ۹۶ با فیلم سینمایی «اسکی باز» فریدون نجفی معرفی شد و بعد از آن در فیلم «بازیگوش ها»، «غلامرضا تختی» و سریال تلویزیونی «از سرنوشت» و «پچه مهندس ۴» حضور داشته است. او تاکنون چند پروانه بهترین بازیگری کودک و نوجوان را به دست آورده است.

نشستن روی صندلی های اتوبوس جذاب تر از اینجانشستن است



فاطمه رجب زاده

خبرنگار

هستی؟ «من هم می گویم بله و او می گوید: «پس با من مصاحبه کن.» می گویم: «فیلم را خوب ببین تا در آخر نظرت را بپرسم.» اما خیالی بیش نیست. پسرها حتی روی صندلی هایشان هم نمی نشینند، چه رسد به این که فیلم را تماشا کنند. پنج شش دقیقه ابتدایی بدون دیالوگ فیلم، جذبان نکرده است.

یکی دیگر می پرسد: «خاله اسم فیلم چیست؟» و زمانی که جوابش را می دهم می گوید: «من تبلیغش را دیده ام. این که فیلم بچگانه نیست!» راست می گوید. مطابق جدول فیلم ها این سانس فیلم نوجوان اکران می شود.

در واقع بعد از این که با مناقشه و مطالبه های بسیار قرار شد فیلم ها رده بندی سنی داشته باشد، مسئولان با آگاهی از این رده بندی که اتفاقاً خودشان آن را تشخیص داده اند در سانس که خودشان به اکران دانش آموزی اختصاص داده اند، فیلم نوجوان اکران می کنند. آن هم نه فیلمی که برای نوجوان باشد، بلکه توشه ای است از جشنواره فیلم فجر که بازیگرش نوجوان است و با تساهل می توان گفت فیلمی است برای نوجوان.

مسئول اکران که از همه هم پسرها تعجب کرده می گوید: «مگر مدیر مدرسه نمی دانست این فیلم نوجوان است؟ پس چرا در سایت انتخاب کرده است؟» البته کمی بعدتر خودش می گوید: «بالاخره یک گروهی باید امروز می آمدند، احتمالاً سانس های روزهای بعد پر شده بوده است...» صدای مسئول اکران به مرور در میان فریادهای بچه ها گم می شود.

آن گروهی که نزدیک من نشسته اند، از مسئول سالن می خواهند فیلم را عوض کند. یک بار، دوبار، سه بار... کار تا آنجا پیش می رود که معلم مدرسه چند فحش آبدار حواله بچه ها می کند تا به خیال خودش ساکت شوند.

نمی دانم که آیا راستی راستی انتظار دارد بچه پسرهایی در این سن ساکت و آرام بنشینند و دو ساعت فیلم بزرگسال را تماشا کنند یا او هم چاره دیگری ندارد؟! شاید هم همان معلمی باشد که گفته بود ما باید ۱۲:۱۵ از این جا برویم بیرون و فقط منتظر است تا ساعت خروج پرسد.

هرچند حرفش هم درست از آب درآمد؛ ساعت به ۱۲ نرسیده، سالن تخلیه شد، بچه ها رو به خیزندگی که من باشم گفتند: «نشستن روی صندلی های اتوبوس جذاب تر از اینجا نشستن است.»

۵ دقیقه مانده به ۱۰:۳۰ صبح روز شنبه، اولین روز سی و هفتمین جشنواره بین المللی فیلم کودک و نوجوان، به سینما چهارباغ، سینمای مخصوص اکران پسران می رسم. رسیدن من همانا و صدای جیغ و هورای بچه ها همانا؛ فیلم سانس قبل، چند دقیقه مانده به شروع سانس جدید تمام می شود.

بچه ها که انگار از اکران فیلمی کودکانه خوششان آمده است، دست بر هم می کوبند و از صندلی هایشان بلند می شوند. ناخودآگاه من هم می خندم و در دلم می گویم کاش همیشه لب کودکان به خنده باز شود. از سالن بیرون می آیم و منتظر می مانم گروه بعدی وارد شوند، اما خبری نیست.

پنج دقیقه، ده دقیقه، یک ربع ... می پرسم پس سانس بعد کی اکران می شود؟ مسئول سالن می گوید: «هر موقع بچه ها برسند... سینما چهارباغ چون مسیر ماشین رو ندارد، پیاده کردن و کنترل بچه پسرها در طول مسیر سخت است، معمولاً فیلم ها تاخیر می خورد.» با این حساب با خیال راحت روی صندلی انتظار می نشینم تا بالاخره تاخیر ۳۵ دقیقه ای می گذرد و دانش آموزان دبستانی با همان هیاهو وارد می شوند.

مسئول سالن دم در می ایستد و با اکثرشان خوش ویش می کند، جواب سلام هایشان را می دهد و بعد رو به همکارش می گوید: «کی هایشان اندازه خودشان است؟» آن میان پسر بچه ای با قد ۹۰ سانتی و کلاه کجش می گوید: «بر محمد و آل محمد صلوات...» صلوات را بلند می فرستند و با همان سر و صدا وارد سالن می شوند. یکی از معلم ها در حین ورود رو به مسئول سالن می گوید: «آقا کار را تا ۱۲:۱۵ جمع کنید، ما باید برگردیم.» مسئول هم با خنده می گوید: «پس باید ۴۵ دقیقه اولش را بزنم جلو» و در عوض بلافاصله فیلم اکران می شود.

هنوز روی صندلی نشسته ام که دانش آموزی می پرسد: «خاله، خبرنگار

حذف بهتر است یا اصلاح؟

و اخلاقی روز باشند؛ فیلم هایی که برای کودک مناسب نیستند، باید رتبه بندی دقیق داشته باشند تا خانواده ها بدانند موضوع فیلم چه قدر برای کودک مناسب است. نکته ای که در این حوزه اهمیت دارد این است که سیاست گذاران این حوزه باید به اوضاع و بسترهای اجتماعی و فرهنگی حال حاضر جامعه آگاه باشند و مدام خود را به روز رسانی کرده و ارتقا دهند.

۳. آموزش رسانه ای والدین و مربیان

والدین و مربیان باید توانایی «خواندن فیلم ها» را یاد بگیرند؛ چگونه پیام ها را تحلیل کنند، چگونه با کودکان گفتگو کنند، چگونه از فیلم به عنوان ابزار تربیتی استفاده نمایند. آن ها نباید در ذهن کودکان صرفاً به عنوان افرادی که مخالف دیدن فیلم هستند شناخته شوند؛ بلکه باید برای کودک مرجعی باشند که می توان ابهامات و چالش های ذهنی را با آن ها مطرح کرد.

۴. فضای مشارکت اجتماعی و گفتگو پیرامون فیلم ها

نمایش فیلم در جمع خانواده یا مدرسه همراه با گفتگو، نقد ساده کودکان و پرسش و پاسخ می تواند پیام ها را عمیق تر کند و درونی شدن ارزش ها را تسهیل نماید. مهدکودک ها و مدرسه ها می توانند برای رسیدن به این هدف، ساعاتی را در هفته به تماشای دسته جمعی فیلم یا انیمیشن با کودکان خود اختصاص دهند.

سرگرمی، آموزش و تجربه

در آخر می توان گفت فیلم و سینما به عنوان ابزار فرهنگی بالقوه بسیار قدرتمندی در جامعه پذیری کودکان عمل می کنند. آن ها می توانند ارزش ها، رفتارها، هنجارها و شکل های ارتباط بین فردی را به کودکان نشان دهند و به رشد هیجانی، اجتماعی و اخلاقی آن ها کمک کنند. اما آنچه اهمیت دارد محتوا، زمان مواجه شدن، شرایط مشاهده (تنها یا همراه بزرگسال) و... است. بنابراین فیلم و سینما برای کودکان ترکیبی از سرگرمی، آموزش و تجربه اجتماعی را فراهم می کنند.

اگر تولید فیلم کودک در جامعه به شکلی باشد که از کلیشه ها پررئیز شود، تنوع موضوعات رعایت نشود، پیام های مثبت اخلاقی و اجتماعی در آن ها دیده شوند، و والدین و مربیان به شکل فعال در فرایند تعلیم و تربیت رسانه ای درگیر باشند، فیلم و سینما می توانند نه فقط سرگرمی، بلکه یکی از قدرتمندترین نیروهای تربیتی در جامعه باشند.



غزل قصری

خبرنگار

امروزه تقریباً همه صاحب نظران توافق دارند که سینما می تواند فضای تعامل کودکان با ارزش ها و هنجارهای مختلف جامعه را فراهم کند. کودکان با دیدن روایت های متنوع، می توانند هویت های گوناگون و زاویه های متفاوتی از جهان را تجربه کنند.

درواقع فیلم و سینما می توانند به مثابه یک نهاد تربیتی غیررسمی عمل کنند؛ نهادهی که نه از مسیر آموزش مستقیم، بلکه از راه روایت ها، تصاویر و احساسات، ارزش ها و هنجارها را منتقل می کند. در همین نقطه است که این تاثیرگذاری می تواند عاملی برای آسیب کودکان باشد.

اما آیا می توان این تاثیرگذاری و تاثیرپذیری را به طور کامل حذف کرد تا از آسیب های احتمالی آن جلوگیری شود؟

نکته ای که باید در نظر بگیریم این است که در جهان امروز با گسترش و توسعه علم و فناوری و دسترسی عموم کودکان به انواع رسانه ها به خصوص از سنین پایین، تلاش برای از بین بردن تاثیرپذیری کودکان، عملاً کاری نشدنی و غیرممکن است.

امروزه کمتر خانواده ای توانایی دارد که کودک خود را از مواجه شدن با ابزارهایی مانند تلویزیون، کامپیوتر، موبایل و اینترنت منع کند؛ به همین خاطر بهتر است به دنبال راهکارهایی برای مواجه درست و بدون آسیب یا حداقل کم آسیب کودکان با رسانه و سینما بود. اما چه راهکارهایی برای رسیدن به این هدف وجود دارد؟

۱. تقویت فیلم کودک و نوجوان با هدف تربیتی

مؤسسات فرهنگی و سینمایی باید به تولید فیلم هایی بپردازند که علاوه بر سرگرمی، پیام های اخلاقی، اجتماعی، همدلی، احترام به دیگران و تفاوت ها را منتقل می کنند.

این مؤسسات باید از تولیدکنندگان فیلم های کودک و نوجوان حمایت کرده و بستر ساخت محتواهای مناسب را برای آن ها تسهیل کنند.

۲. سیاست گذاری محتوا و ممیزی هوشمند

سیاست های ممیزی باید نه صرفاً تابع سانسور، بلکه تابع اصول تربیتی